

بررسی رابطه میان باز بودن اقتصاد و اندازه دولت

رضا اکبریان* و محمدرضا کارکن**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۱۵

با مباحث مربوط به جهانی شدن و پرسش‌هایی که در مورد تأثیر جهانی شدن بر اندازه دولت مطرح شده است، فرضیه‌های کارایی و جبرانی دو فرضیه متفاوتی هستند که در عصر جهانی شدن مطرح می‌شوند. فرضیه جبرانی حضور دولت را در اقتصاد برای کاهش ریسک‌های جهانی شدن لازم می‌داند و فرضیه کارایی به حضور کم‌رنگ‌تر دولت و تنها به مهیا کردن شرایط لازم برای ورود سرمایه اشاره می‌کند. بنابراین، در مقاله حاضر به بررسی دلایل رشد اندازه دولت با تأکید بر جهانی شدن طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۳۹ می‌پردازیم. برای تحقق این هدف از متغیرهای سهم تجارت به تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص درجه باز بودن اقتصاد، درآمد سرانه حقیقی، تورم، جمعیت، درآمد نفتی و اندازه دولت برحسب مخارج کل و مخارج مصرفی به شکل درصدی از تولید ناخالص داخلی در قالب الگوی خودبازگشتی با وقفه‌های توزیعی - با استفاده از آزمون کرانه پسران و همکاران - استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد، در بلندمدت، درجه باز بودن اقتصاد تأثیری بر اندازه دولت نداشته است، اما در کوتاه‌مدت رابطه معنادار مثبتی بین درجه باز بودن اقتصاد و اندازه دولت از حیث مخارج کل و مصرفی برقرار است. همچنین نتایج بررسی بین جهانی شدن اقتصاد و مخارج رفاه و تأمین اجتماعی حاکی از آن است که این نوع مخارج، برای مقابله با تکان‌های حاصل از آثار درجه باز بودن اقتصاد، نقشی را در اقتصاد ایفا نکرده‌اند. همچنین باید در نظر داشت که وجود درآمدهای حاصل از صادرات نفت، منابع درآمدی عظیمی برای دولت فراهم آورده که به رشد اندازه دولت منجر شده است.

طبقه‌بندی JEL: F10, H10

کلیدواژه‌ها: اندازه دولت، باز بودن تجارت، درآمد سرانه، تورم، جمعیت، آزمون کرانه، خودبازگشتی با وقفه‌های توزیعی.

* عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی: rakbarian@rose.shirazu.ac.ir

** کارشناس ارشد دانشگاه شیراز.

۱- مقدمه

حضور و فعالیت دولت‌ها در زمینه مسایل اقتصادی تا پیش از جنگ جهانی اول به دلیل حاکم بودن دیدگاه کلاسیک‌ها بسیار محدود و حجم مخارج عمومی خیلی پایین بود. در نیمه اول قرن بیستم، بحران اقتصادی بزرگ ۱۹۳۰-۱۹۲۹ نشان داد که دست‌نمیری بازاری به‌درستی عمل نمی‌کند و سازوکار بازار می‌تواند به‌جای رفاه و اشتغال کامل، باعث بیکاری شود. بنابراین، با وقوع جنگ جهانی اول دخالت در اقتصاد رواج یافت و بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. در آن دوران، اقتصاد کلاسیک هیچ نظریه مناسبی برای حل مشکلات نداشت تا اینکه کینز در سال ۱۹۳۶ نظریات خود را در کتابی تحت عنوان «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» مطرح کرد و دخالت دولت را در زمینه مسایل اقتصادی برای رفع بحران، الزامی دانست. وی معتقد بود به دلیل ناکارایی بخش خصوصی، سیاست مالی انبساطی می‌تواند شکاف بین عرضه کل و تقاضای کل را کاهش دهد. در نهایت، اندیشه‌های کینزی در قالب دولت رفاه تبلور یافت، اما ناتوانی نظام‌های سوسیالیستی در پاسخگویی به خواسته‌ها و تقاضای مصرفی افراد و به‌علاوه ناتوانی دولت‌های رفاه در حل معضل رکود تورمی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری پرسش‌های بی‌پاسخی بودند که مورد بحث و انتقاد قرار می‌گرفتند^۱. در ربع پایانی قرن بیستم دوباره و بازگشتی به سوی اندیشه‌های دوره اول به وجود آمد و رویکردی موسوم به نئولیبرالیسم توانست اندیشه‌های دولت‌گرای سوسیالیستی و کینزی را از صحنه خارج کند.

اما در شرایطی که رویکرد نئولیبرالیسم ایده دولت حداقل را به شدت طرح و عدم اجرای آن را با مجازات صندوق بین‌المللی پول پاسخ می‌داد، بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۷ بر نقش مثبت دولت در تغییر و تحولات اقتصادی تأکید کرد و این نقش را فراتر از آن چیزی دانست که در چهارچوب دولت حداقل وجود دارد. در این گزارش، بانک جهانی رویکرد مداخله‌گرایانه در اقتصاد را رد می‌کند و به طرح رویکردی می‌پردازد که آن را دولت موافق بازار^۲ می‌نامند. در این رویکرد، دولت نهادی است که از طریق اقدام‌های مختلف به‌ویژه اقدام‌های قانونی و مقرراتی باید شرایط مناسبی را برای کارکرد کارآمد اقتصاد فراهم کند و در عین حال در حوزه‌های مختلفی که بازار به علت شرایط نهادی و سازمانی در کشورهای توسعه‌نیافته قادر به پاسخگویی به خواسته‌های

۱- الغدیر (Alqudair)، ۲۰۰۵، صص ۴-۵.

۸۱ بررسی رابطه میان باز بودن اقتصاد و اندازه دولت

جامعه نیست، دخالت کند، اما برای آنکه دخالت دولت کارآمد باشد، باید اقدام‌های قانونی صورت گیرد، از جمله رفع سوءمدیریت‌ها از طریق شایسته‌سالاری و ایجاد نهادهای مردم‌سالاری که عملکرد دولت را مورد نقد قرار دهند. بنابراین، برای حضور موفق در اقتصاد جهانی وجود دولت توسعه‌گرا و کارآمد ضروری است که از یک سو، پیش‌نیازهای ادغام موفق را فراهم و از سوی دیگر، فرآیند حضور در اقتصاد جهانی را به‌منظور کاهش برخی پیامدهای منفی آن مدیریت کند. بنابراین، پذیرش ایران در سال ۲۰۰۵ به‌عنوان عضو ناظر در سازمان تجارت جهانی، بر اهمیت و ضرورت بررسی تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اندازه دولت در ایران، می‌افزاید.

۲- اندازه دولت در ایران

وقتی از اندازه دولت صحبت می‌کنیم، قصدمان این است که میزانی از منابع تولید را که در کنترل دولت قرار دارد، اندازه بگیریم.^۱ اندازه دولت به حجم عملیاتی اشاره دارد که توسط سازمان‌ها، ارگان‌ها و سازمان‌های وابسته به آنها اعم از سازمان‌های منطقه‌ای، ایالتی، شهرداری‌ها و سازمان‌های تأمین اجتماعی صورت می‌پذیرد. به عبارتی، در واقع، نشان‌دهنده درجه مداخله دولت در اقتصاد است.

یکی از شاخص‌های معروف اندازه دولت نسبت مخارج عمومی یا بودجه عمومی به تولید ناخالص داخلی است که البته با بودجه کل کشور متفاوت است، زیرا هزینه‌های دولت هم شامل دخل و خرج مربوط به وزارتخانه‌هاست (بودجه عمومی) و هم شرکت‌ها، بانک‌ها و مؤسسه‌های دولتی که در مجموع به آن بودجه کل کشور گفته می‌شود.

شاخص نسبت مخارج مصرفی به تولید ناخالص داخلی و نسبت مخارج عمرانی به تولید ناخالص داخلی، معیارهای دیگری از اندازه دولت هستند. یکی دیگر از معیارهای سنجش اندازه دولت، سهم مالیات در درآمد ملی یا نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت است. در کشورهایی که مالیات منبع اصلی تأمین مخارج دولت است، نسبت مالیات به درآمد ملی را می‌توان برای اندازه‌گیری نقش دولت به کار برد، اما در کشورهایی مانند ایران که بخش عظیمی از منابع مورد نیاز از فروش نفت به دست می‌آید و نقش مالیات‌ها در کل درآمدهای دولت ناچیز است، استفاده از این معیار تصویر دقیقی از حجم فعالیت‌های دولت را به دست نمی‌دهد. یکی دیگر از معیارهای اندازه‌گیری نقش دولت، سهم مشاغل دولتی در کل اشتغال است. نیروی انسانی

۱- توکلی، ۱۳۸۰، صص ۳۶۱-۳۶۰.

بخشی از منابع تولید است که خود در به کارگیری منابع دیگر نقش اصلی دارد. بنابراین، افزایش سهم دولت از این منابع می تواند نماگر از نقش دولت در کل اقتصاد باشد. این معیار دارای نقایصی نیز هست، زیرا برای مثال، تغییرات در بهره‌وری مستخدمان دولتی نادیده گرفته می شود، به طور مثال، یک دولت با جایگزینی سیستم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جدید می تواند همراه با کاهش نیروی انسانی، مداخلات خویش را افزایش دهد. حجم کسری بودجه دولت یا نسبت آن به تولید یا درآمد ملی نیز به عنوان معیار دیگری از اندازه دولت به شمار می آید، این معیار اگرچه می تواند منعکس کننده پیامدهای منفی بزرگ تر شدن اندازه دولت باشد، اما نشان دهنده خوبی از حجم فعالیت‌های دولت در اقتصاد نیست؛ به خصوص در ایران نوسانات کسری بودجه به طور مستقیم تحت تأثیر درآمدهای نفتی بوده است. این نوسانات با سطح فعالیت‌های دولت ارتباط کمتری دارد^۱.

در این مطالعه، دو معیار اندازه دولت، یعنی سهم کل مخارج عمومی دولت به GDP و سهم مخارج مصرفی به GDP را برای بررسی رابطه جهانی شدن اقتصاد و دیگر متغیرهای اقتصادی و جمعیتی با اندازه دولت مورد استفاده قرار می دهیم.

۳- پیشینه موضوع

۳-۱- درآمد

افزایش درآمد توضیح دهنده رشد اندازه دولت است. آدلف واگنر^۲، اقتصاددان آلمانی در قرن نوزدهم این مسأله را مورد تأیید قرار داد. وی معتقد بود، با افزایش درآمد سرانه، بر اندازه دولت نیز افزوده می شود. در واقع، علت رشد اندازه دولت به تقاضای جامعه از کالاها و خدمات دولتی و کشش درآمدی این تقاضا برمی گردد؛ بدین معنا که سرعت افزایش تقاضای کالاها و خدمات دولتی بیش از سرعت افزایش درآمد است. به عبارت دیگر، مخارج عمومی دارای کشش درآمدی بزرگ تر از واحد است. واگنر معتقد است، با فرآیند صنعتی شدن نظام اقتصادی و پیچیده شدن عملکرد تشکیل دهنده بازار، گسترش شهرنشینی، افزایش جمعیت در مناطق شهری، وجود قراردادهای و قوانین تجاری و در نتیجه، تشکیلات اداری و قضایی برای رسیدگی و نظارت به موارد

۱- همان منبع.

بررسی رابطه میان باز بودن اقتصاد و اندازه دولت ۸۳

یادشده ضرورت یافته است. از این رو، دخالت دولت در مسایل اقتصادی لازم بوده و همین امر موجب افزایش رشد اندازه دولت شده است.^۱

علاوه بر دیدگاه واگنر، دیدگاه پیکاک و وایزمن^۲ و رستو و ماسگریو^۳ نیز جایگاه خاصی در علل رشد اندازه دولت دارند. الگوی پیکاک و وایزمن به الگوی محدودیت سیاسی معروف است. این الگو را می‌توان نوعی دیگر از کارکرد مکتب انتخاب جمعی^۴ تلقی کرد. براساس این دیدگاه، گسترش حجم دولت به تحولات سیاسی و فرآیندهای انتخاباتی و انگیزه احزاب سیاسی ارتباط دارد. الگوی روستو و ماسگریو به الگوی توسعه اقتصادی معروف است. در این الگو سعی می‌شود، روند تغییرات و ترکیب هزینه‌های دولت با توجه به مراحل متفاوت رشد و توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. در واقع، هزینه بخش عمومی به عنوان پیش‌نیاز توسعه اقتصادی تلقی می‌شود. در مراحل ابتدایی، هزینه‌های زیادی باید صرف امور زیربنایی شود. شبکه‌های حمل‌ونقل، ارتباطات مخابراتی، سدها، خدمات عمومی شهری، استقرار نهادهای قانونی و مشابه آنها تقریباً ماهیت کالاهای عمومی دارند که بخش خصوصی داوطلب ارائه آنها نیست. بنابراین، دولت باید به شکل فزاینده‌ای در این امور هزینه کند. در مراحل بعدی نیاز به این نوع سرمایه‌گذاری‌ها کاهش می‌یابد، اما هزینه‌های سرمایه‌گذاری انسانی مانند آموزش، بهداشت و مخارج ناشی از شهرنشینی جایگزین آنها می‌شود.

علاوه بر دیدگاه واگنر، مطالعات تجربی متنوعی بعد از واگنر در مورد تأثیر درآمد سرانه بر اندازه دولت یا مخارج دولت و صحت این فرضیه انجام شد. رام^۵ (۱۹۸۷)، با تقسیم‌بندی کشورها سعی در آزمون فرضیه واگنر برای ۱۱۵ کشور کرد. وی با به‌کارگیری دو الگوی زیر به آزمون این قانون پرداخت:

$$\text{Log} \left[\frac{G}{GDP} \right] = a + b \text{Log} (Y_{pc}) + u$$

$$\text{Log} (G) = c + d \text{Log} (Y) + v$$

۱- شلتون (Shelton)، ۲۰۰۷، ص ۲۲۳۶.

2- Peacock & Wiseman
3- Rostow & Musgrave
4- Collective Choice
5- Ram

که در آن، نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، $\left[\frac{G}{GDP} \right]$ در آن، Y_{pc} درآمد سرانه حقیقی، Y تولید ناخالص داخلی و vt ، ut جملات اخلاص در الگوهای مربوط هستند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که فرضیه واگنر در ۶۰ درصد کشورهای مورد بررسی تأیید و در بقیه موارد رد می‌شود. همچنین ابی زاده و یوسفی (۱۹۸۸)، در مطالعه‌ای به عوامل مؤثر بر رشد مخارج دولتی کانادا پرداختند و با توجه به قانون واگنر نشان دادند که درآمد ملی با تأخیر زمانی، تأثیر مثبتی را بر نسبت مخارج عمومی به GDP (اندازه دولت) گذاشته است. کوراکسی و همکاران^۱ (۱۹۹۳) به بررسی قانون واگنر در مورد کشورهای پرتغال و یونان در دوره زمانی ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۵ پرداختند. تحلیل‌های آنها بر جابه‌جایی اجزای متفاوت مخارج عمومی متمرکز است و یافته‌های آنها نشان می‌دهد که کشش‌های درآمدی تنها در مورد مخارج انتقالی دولت بزرگ‌تر از واحد است، در حالی که نتایج تجربی دیگری در مورد یونان، از قانون واگنر حمایت می‌کند.

۲-۳- متغیرهای جمعیتی

افزایش جمعیت عامل مهمی در تغییر مخارج عمومی و اندازه دولت است. اندازه جمعیت چه از نظر تعداد و ساختار سنی و چه از نظر تمرکز جغرافیایی می‌تواند بر هزینه‌های دولت تأثیر بگذارد. با افزایش جمعیت نیاز به بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و تأمین اجتماعی افزایش می‌یابد. مخارج مربوط به حقوق بازنشستگی خود عامل مهم دیگری در رشد مخارج عمومی به شمار می‌آید. هلر و دیاموند^۲ (۱۹۹۰)، در یافته‌های تجربی خود که در دامنه وسیعی از کشورهای در حال توسعه انجام گرفت، نشان دادند که تغییرات جمعیتی از سال ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۸۶ به‌طور مثبت باعث رشد مخارج دولتی در زمینه بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و تأمین اجتماعی شده است.^۳

یکی دیگر از نظریه‌هایی که در مورد تأثیر اندازه جمعیت بر اندازه دولت وجود دارد، این‌گونه بیان می‌شود: آلسینا و کزیرگ^۴ معتقدند که «با فرض کشش قیمتی صفر و فرض هزینه نهایی ثابت، برای کالاها و خدماتی که به صورت عمومی فراهم شده‌اند، جمعیت بیشتر مستلزم مخارج

1- Couraksi, et al

2- Heller & Diamond

۳- لینداثر و ولنچیک (Lindauer & Velenchik)، ۱۹۹۲، ص ۸۸

4- Alesina & Wacziarg

۸۵ بررسی رابطه میان باز بودن اقتصاد و اندازه دولت

عمومی کمتری به عنوان سهمی از GDP است، زیرا کالاهایی که توسط بخش عمومی فراهم شده در بین افراد بیشتری تقسیم می شود^۱.

کلی^۲ (۱۹۷۶)، در مقاله‌ای با عنوان «تغییرات جمعیتی و اندازه بخش دولتی»، داده‌های مربوط به ۲۷ کشور غیر کمونیست را که در مرحله میانی از توسعه اقتصادی با درآمد سرانه ۲۲۵۰-۲۵۰ دلار بودند، در دوره زمانی ۱۹۶۳-۱۹۶۱ مطالعه کرد و به این نتیجه رسید که صرفه‌های مقیاس در تأمین خدمات دولتی که توسط تراکم جمعیت و اندازه کل جمعیت اندازه گیری می‌شود، تأثیر منفی معناداری بر اندازه دولت (که با سهم مخارج دولت از GDP در نظر گرفته شده است)، دارد. همچنین نرخ بار تکفل جمعیت سالخورده (نسبت درصد جمعیت بالاتر از ۶۴ سال به درصد جمعیت بین ۱۵ و ۶۴ ساله) نسبت به نرخ تکفل جمعیت جوان (نسبت درصد جمعیت جوان‌تر از ۱۵ سال به درصد جمعیت بین ۱۵ و ۶۴ ساله) تأثیر معنادار مثبتی بر اندازه دولت دارد.

در ایران نیز مطالعاتی در زمینه تأثیر متغیرهای جمعیت بر اندازه دولت صورت گرفته است، از جمله سوری و کیهانی حکمت (۱۳۸۳)، معتقدند، متغیرهای جمعیتی تأثیر مثبت و بامعنایی بر سهم مخارج دولت دارند و بار تکفل سالخوردگان و جوانان با اندازه دولت رابطه مثبت دارد. همچنین محنت‌فر (۱۳۸۳)، نتیجه می‌گیرد که جمعیت و همچنین تعداد دانش‌آموزان کشور بر افزایش مخارج دولت تأثیر مثبت و معناداری دارند. وی معتقد است، متغیر کنترل شهرنشینی و متغیرهای نهادی در آمد و مخارج، موجب گسترش اندازه دولت ملی می‌شوند، یعنی در واقع، با افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی، هزینه‌های آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی دولت ملی یا مرکزی افزایش می‌یابد و از این طریق اندازه دولت بزرگ‌تر می‌شود.

۳-۳- جهانی شدن

اقتصاددانان به وظایفی که دولت‌ها در عصر جهانی شدن برعهده دارند تا بتوانند از یک سو، پیش‌نیازهای حضور موفق کشور را در عرصه جهانی فراهم و از سوی دیگر، پیامدهای منفی جهانی شدن را مدیریت کنند از دو جنبه در قالب فرضیه‌های کارایی^۳ و جبرانی^۴ بررسی می‌کنند.

۱- آلسینا و وکزیرگ، ۱۹۹۸، صص ۳۰۹-۳۰۸.

2- Kelley

3- Efficiency Hypothesis

4- Compensation Hypothesis

فرضیه کارایی به فرضیه‌ای که به عوامل سمت عرضه بازار سیاسی می‌پردازد، معروف است.^۱ در این نظریه، دولت‌ها ناگزیرند پاسخگوی فناوری، فشارهای فزاینده جمعیتی، دغدغه‌های فزاینده زیست‌محیطی، ادغام‌های بیشتر بازارها در سطح جهانی و در ضمن، ایجاد دولت‌های دموکراتیک‌تر باشند. طرفداران این نظریه معتقدند، برای توسعه اقتصادی و اجتماعی، وجود دولت مؤثر و کارا و نه دولت کم‌نقش، اهمیت اساسی دارد.^۲

در عرصه جهانی‌شدن اقتصاد، به شرط آنکه یک کشور از ساختارها و سیاست‌های مناسب بهره‌مند باشد، به رشد و توسعه اقتصادی بیشتر خواهد رسید. در واقع، یکی از شروط موفقیت یک کشور در اقتصاد جهانی به عوامل زیربنایی و بالقوه‌ای بازمی‌گردد که در هر کشوری وجود دارد. عواملی مانند نیروی کار ارزان، ماهر و تحصیلکرده، زیرساخت‌هایی مانند نیرو، ارتباطات، حمل‌ونقل، صنایع و معادن، زیرساخت‌های فناوریانه، ثبات سیاسی و اجتماعی و... بنابراین، برای ورود به عرصه جهانی و ایجاد فضایی مناسب برای ورود سرمایه و کسب منفعت در عرصه جهانی لازم است دولت شرایط یادشده را فراهم کند. سایر سیاست‌هایی که دولت در زمینه مشارکت موفق در اقتصاد جهانی برعهده دارد، شامل تثبیت اقتصاد کلان، اصلاحات بنیادین اقتصادی و در نهایت، گشایش اقتصادی است. در واقع، امروزه دولت‌ها نقش مهمی در هدایت کشورها به سوی رشد و توسعه در بستر جهانی شدن، دارند.^۳

پس به‌طور اجمالی در این فرضیه دولت‌ها در جذب سرمایه و ورود آن به کشورشان با یکدیگر رقابت می‌کنند و مخارج عمومی در جهت ایجاد مخارج بهره‌وری مانند آموزش، تربیت و تحقیق و توسعه^۴ و زیرساخت‌ها^۵ مانند جاده و بنادر قرار می‌گیرد. همچنین برای تأمین مالی این نوع از مخارج، دولت‌ها یا می‌توانند مالیات‌ها را افزایش دهند یا استقراض کنند. افزایش مالیات بر ثروت یا درآمد باعث تحلیل سرمایه‌گذاری می‌شود. همچنین استقراض باعث افزایش نرخ بهره می‌شود که این امر، کاهش سرمایه‌گذاری را در پی دارد. همچنین در عصر جهانی شدن با پیشرفت فناوری و پیمان‌های جهانی کشورها، جابه‌جایی و رفت و آمد مردم و همچنین انتقال

۱- گمل و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۱۵۲.

۲- بانک جهانی، ۱۹۹۷، ص ۴۴.

۳- گرت (Garret)، ۲۰۰۱.

4- Reaserch and Development (R&D)

5- Infrastructure

بررسی رابطه میان باز بودن اقتصاد و اندازه دولت ۸۷

سرمایه‌ها به خارج از کشور آسان‌تر شده است، بنابراین، درگیر شدن در اقتصاد جهانی محدودیت‌های بیشتری را برای اعمال سیاست‌های مالیاتی فراهم می‌کند و توانایی دولت را در اخذ مالیات‌ها کاهش می‌دهد^۱، زیرا اگر دولت‌ها بخواهند مالیات‌ها و هزینه‌های عمومی را افزایش دهند، بازار به راحتی می‌تواند مانع آن شود، به دلیل آنکه در اقتصاد جهانی، مردم و شرکت‌ها به جای اینکه متحمل مالیات‌های سنگین شوند، می‌توانند به قلمروی مالیاتی دیگر نقل مکان کنند. از این رو، اجزای مخارج دولت دستخوش تغییراتی با توجه به این دو تأثیر خواهند شد.^۲ مطالعات زیادی در این زمینه برای بررسی تأثیر جهانی شدن بر اندازه دولت و اجزای آن انجام شده است؛ برای مثال، کیوساک^۳ (۱۹۹۷)، رودریک^۴ (۱۹۹۷)، آلسینا و وکزیبرگ (۱۹۹۸)، فیگلیو و بلانجن^۵ (۲۰۰۰)، گرت و میشل^۶ (۲۰۰۱) و کیتل و واینر^۷ (۲۰۰۵)، در تأیید فرضیه کارایی نشان می‌دهند که باز بودن تجارت، آزادسازی سرمایه^۸ یا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث کاهش اندازه بخش عمومی خواهند شد. همچنین کوفمن و سرجورا - یوبیرگو^۹ (۲۰۰۱) و گرت و میشل در مورد ترکیب مخارج دولت نشان می‌دهند که باز بودن تجارت و آزادسازی سرمایه، سهم مخارج رفاه اجتماعی را کاهش می‌دهند، در حالی که آلسینا و وکزیبرگ، فیگلیو و بلانجن و کوفمن و سرجورا معتقدند، شاخص‌های جهانی شدن باعث افزایش مخارج دولت در زمینه‌های آموزش، حمل‌ونقل و بهداشت خواهد شد^{۱۰}. همچنین گرت نیز معتقد است که تأثیر خالص این فرضیه بر اندازه دولت در حالت کلی صفر است^{۱۱}.

به‌رغم مزیت‌هایی که آزادسازی تجاری و مالی برای یک کشور دارد و دولت با فراهم کردن زمینه‌ها و بسترهای مناسب شرایط را برای ورود سرمایه مهیا می‌کند، در مقابل، برخی از منتقدان

۱- تانزی (Tanzi)، ۲۰۰۰، ص ۱۵.

۲- سانز و ولازکویز (Sanz & Velazquez)، ۲۰۰۳.

3- Cusuck

4- Rodrik

5- Figlio & Blonigen

6- Garret & Mitchell

7- Kittel & Winner

8-Capital Liberalization

9- Kaufman & Sergura- Ubiergo

۱۰- گمل و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۱۵۶.

۱۱- گرت، ۲۰۰۱.

انتقادهایی را به آزادسازی مالی و تجاری وارد می‌کنند؛ برای مثال، ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شرکت‌های چندملیتی باعث تشدید نابرابری در توزیع درآمدها، مسایل محیط‌زیستی، عدم هماهنگی بین علایق سرمایه‌گذاران و نیازهای کشور میزبان و پیامدهای فرهنگی و سیاسی سرمایه‌گذاری خواهد شد؛ برای مثال، به عقیده استیگلیتز هنگامی که کشورهای خارجی وارد کشور شوند، غالباً رقبای داخلی را نابود می‌کنند و امید کسبه‌ای را که می‌خواهند صنعت خانگی را ایجاد کنند، به یأس مبدل می‌سازند؛ برای مثال، بساط تولیدکنندگان نوشابه در سراسر جهان با ورود کوکاکولا برچیده شده است یا تولیدکنندگان محلی بستنی نمی‌توانند با محصولات بستنی «یونی لور» رقابت کنند.

این نوع نگرش به تأثیرهای جهانی شدن در قالب فرضیه جبرانی مطرح می‌شود. این فرضیه در واقع، به عوامل سمت تقاضای بازار سیاسی می‌پردازد و بر هزینه‌های نااطمینانی اقتصادی و نابرابری در آمدی و اجتماعی که جهانی شدن ایجاد می‌کند، تمرکز دارد.

این فرضیه توسط رودریک (۱۹۹۸) با نگاه به تجارت بین‌الملل، در مورد تأثیر جهانی شدن بر رشد اندازه دولت برای نخستین بار مورد بررسی بیشتری قرار گرفت. وی در تحقیقی با عنوان «چرا اقتصادهای بازتر، دولت‌های بزرگ‌تری دارند؟» برای ۲۳ کشور عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه به بررسی رابطه بین درجه باز بودن تجارت به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم جهانی شدن با اندازه دولت می‌پردازد. وی یک الگوی ساده ریاضی را برای ادعای خود ارائه می‌دهد؛ این الگو به صورت زیر طراحی شده است:

در مورد تأثیر تکانه‌هایی که یک اقتصاد باز می‌تواند بر یک کشور داشته باشد و نقش دولت در برطرف کردن پیامدهای منفی این تکانه‌ها، فرض می‌کنیم اقتصادی داریم که دو کالای عمومی و خصوصی در آن تولید می‌شود. همچنین مقدار ثابتی از کالای صادراتی X نیز تولید می‌شود. اقتصاد، نهاده نیروی کاری دارد که λ واحد در بخش عمومی و $1-\lambda$ واحد در بخش خصوصی به کار می‌روند. فرض می‌کنیم π معرف قیمت کالاهای صادراتی برحسب قیمت کالاهای وارداتی است (یعنی رابطه مبادله). کالاهای صادراتی در داخل کشور مصرف نمی‌شوند و کالاهای وارداتی نیز در داخل کشور تولید نمی‌شوند. تجارت به‌طور پیوسته در تعادل قرار دارد، به‌طوری که کشور مقدار πx ، واردات انجام می‌دهد. اکنون فرض می‌کنیم کالاهای وارداتی، کالاهای

بررسی رابطه میان باز بودن اقتصاد و اندازه دولت ۸۹

واسطه‌ای هستند که باعث افزایش بهره‌وری تولید بخش خصوصی می‌شوند. تابع تولید کالای خصوصی، تابعی خطی از نیروی کار است که به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$f(\pi x, 1-\lambda) = \pi x(1-\lambda)$$

تابع تولید کالای عمومی برابر با $h(\lambda)$ ، که $h' > 0$ و $h'' < 0$ است. از نظر مصرف کنندگان کالاهای عمومی و خصوصی جانشین کامل یکدیگر هستند.

دولت در تعیین بهینه اندازه بخش عمومی با توجه به تغییرات رابطه مبادله با مسأله زیر مواجه است:

$$\text{MAX}_{\lambda} V(\lambda) = E[u(h(\lambda) + \pi x(1-\lambda))], \quad (1)$$

$u(\cdot)$ برابر با تابع مطلوبیت یک خانواده نمونه بوده که $u'(\cdot) > 0$ و $u''(\cdot) < 0$ است. π دارای توزیع با میانگین π_m و واریانس σ^2 و E نشان‌دهنده انتظارات است، حال با به کار بردن قضیه بسط دوم تیلور حول π_m و گرفتن انتظارات $E(\cdot)$ ، می‌توان نشان داد که $V(\lambda)$ برابر است با:

$$V(\lambda) \approx u(h(\lambda) + \pi_m x(1-\lambda)) + \frac{1}{2} u''(h(\lambda) + \pi_m x(1-\lambda)) (1-\lambda)^2 x^2 \sigma^2. \quad (2)$$

با توجه به رابطه بالا انتظار داریم که با تغییر رابطه مبادله، مطلوبیت انتظاری کاهش یابد. $R = x\sigma$ معیاری است که با آن مقدار ریسک خارجی را که یک کشور در معرض آن قرار می‌گیرد، با آن نشان می‌دهیم. شرط مرتبه اول برابر است با:

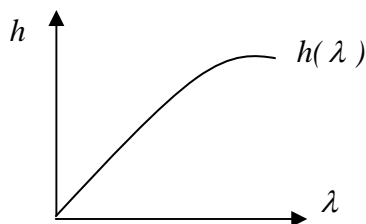
$$[u'(\cdot) + \frac{1}{2} u'''(\cdot) (1-\lambda)^2 R^2][h'(\lambda) - \pi_m x] - \frac{1}{2} u''(\cdot) R^2 = 0. \quad (3)$$

$$h'(\lambda) = \frac{\frac{1}{2} u''(\cdot) R^2}{u'(\cdot) + \frac{1}{2} u'''(\cdot) (1-\lambda)^2 R^2} + \pi_m x \quad (4)$$

در معادله ۳ (شرط کافی)، عبارت اول مثبت است (یعنی $u'''(0) > 0$) که نشان می‌دهد، خانواده ملاحظه و احتیاطی را در مصرف خود بروز می‌دهد. استنباط مستقیمی که از معادله می‌توان گرفت این است که در معرض ریسک بیشتر، یعنی ($R > 0$)، باعث افزایش بیشتری در λ خواهد شد؛ برای مثال، اگر دو اقتصاد A و B را در نظر بگیریم، یکی با $R_A = 0$ و دیگری با

که البته تمام خصوصیات دیگر دو کشور برابر باشد، با توجه به شکل شماره ۱، شرط $R_B > 0$ مرتبه اول برای کشور A برابر با $h'(\lambda_A) = \pi_m x$ و برای اقتصاد B برابر با $h'(\lambda_B) < \pi_m x$ است، زیرا $h''(\cdot) < 0$ است، بنابراین، خواهیم داشت $\lambda_A > \lambda_B$.

شکل ۱



با توجه به اینکه بخش‌های دولتی نسبت به بخش‌های دیگر اقتصاد از جمله بخش‌های خصوصی و بخش‌هایی که کالاهای قابل تجارت عرضه می‌کنند، امن‌تر هستند، کشوری که از نظر اقتصادی بازتر است، در معرض ریسک‌های بیشتری قرار می‌گیرد و تعداد منابع در بخش عمومی بیشتر خواهد بود و از این رو، مخارج مصرفی دولت افزایش خواهد یافت.^۱

همچنین رودریک معتقد است، در کشورهای در حال توسعه به دلیل ساختار اداری و ظرفیتی آنها، مخارج دولت، در جهت کاهش ریسک‌های خارجی به سمت استخدام‌های عمومی، برنامه‌های شغلی یا اختصاص یارانه به افراد و کمک‌های بلاعوض صورت می‌گیرد، در حالی که در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته به دلیل وجود سازمان‌های منظم تأمین اجتماعی و برنامه‌های رفاه اجتماعی به موقع، برنامه‌های رفاه و تأمین اجتماعی افزایش بیشتر و معنادارتری نسبت به کل مخارج مصرفی دولت دارد. بنابراین، الزام دولت به ارایه بیمه اجتماعی را مهم‌ترین عامل در افزایش این مخارج می‌داند و معتقد است، دولت‌ها با این عمل، سهمی را در تعدیل و کاهش خطرات ناشی از مواجه شدن با تجارت جهانی بر عهده می‌گیرند. همچنین ریسک تجارت خارجی برای کشورهایی که دارای تعداد محدودی کالاهای صادراتی هستند، اما در عوض تنوع بالایی از کالاهای وارداتی را پذیرفته‌اند، نسبت به کشورهای که تنوع بیشتری در اقلام صادراتی آنها وجود دارد، به مراتب بیشتر است، از این رو، دولت‌ها در این کشورها از طریق ایجاد برنامه‌های حمایتی

بررسی رابطه میان باز بودن اقتصاد و اندازه دولت ۹۱

مختلف از بیکاران و سایر برنامه‌های اجتماعی در کاهش ریسک خارجی هزینه‌های بیشتری را متقبل می‌شوند.^۱ از این رو، طی قرن بیستم که پدیده جهانی شدن شدت گرفته، هزینه‌های دولت افزایش یافته و اندازه دولت بزرگ‌تر شده است.

رودریک در واقع، با مطالعه خود عقیده‌ای را مبنی بر اینکه بازار و دولت‌ها جانشین یکدیگر هستند، به چالش کشید. وی بیان می‌کند که بازار و دولت تا اندازه‌ای مکمل یکدیگر هستند و رابطه علی بین درجه باز بودن تجارت و اندازه دولت را حاکی از فرضیه جبرانی می‌داند؛ دولت‌ها با افزایش بیمه‌های اجتماعی برای کاهش ریسک‌های تجاری، موجب افزایش اندازه دولت می‌شوند.^۲ همچنین وی نشان داد که بیشتر اجزای مخارج دولت مانند مخارج دفاعی، بهداشت، آموزش، امور فرهنگی و اجتماعی و همچنین حمایت‌های اقتصادی افزایش یافته‌اند. بعد از رودریک مطالعات زیادی در مورد تأثیر جهانی شدن بر اندازه دولت و بررسی فرضیه او با توجه به داده‌های گوناگون و کشورهای مختلف، انجام شد که از توضیح آنها صرف‌نظر می‌کنیم و تنها در جدول شماره ۱، خلاصه یافته‌های آنها را می‌آوریم.

۱- رودریک، همان منبع.

۲- مولانا و همکاران، ۲۰۰۴.

جدول ۱- رابطه بین جهانی شدن و اندازه دولت

نام محقق	شاخص جهانی شدن	شاخص اندازه گیری دولت	نتیجه گیری
رودریک (۱۹۹۸)	باز بودن تجارت - نوسانات رابطه مبادله	مخارج مصرفی دولت نسبت به GDP	مثبت
برناور و آچینی (۲۰۰۰)	باز بودن تجارت - تحرک سرمایه	کل مخارج دولت، مخارج اجتماعی، بهداشتی، درآمد مالیاتی و مخارج غیر جنگی	باز بودن تجارت باعث افزایش مخارج کل و درآمد مالیاتی می شود، اما تأثیری بر رفاه اجتماعی ندارد. تحرک سرمایه تأثیری را نشان نمی دهد.
گرت (۲۰۰۱)	باز بودن تجارت - تحرک سرمایه	مخارج مصرفی نسبت به GDP	باز بودن تجارت مثبت - تحرک سرمایه بی تأثیر
بورگون (۲۰۰۱)	سرمایه گذاری مستقیم خارجی - سرمایه گذاری پرتفوی خارجی - واردات از کشورهای با دستمزد پایین - باز بودن تجارت	کل مخارج دولت - مخارج مصرفی و مخارج اجتماعی به GDP	مثبت
بال و ویدا (۲۰۰۲)	باز بودن تجارت	مخارج رفاه عمومی و سرویس های بهداشتی نسبت به GDP	مثبت
آدسرا و بویکس (۲۰۰۲)	باز بودن تجارت - شدت صادرات	دریافت های جاری نسبت به GDP	باعث افزایش دریافتی های جاری نسبت به GDP در کشورهای دموکراتیک می شود.
کیتل و وینر (۲۰۰۵)	باز بودن تجارت - سرمایه گذاری مستقیم خارجی	کل مخارج دولت نسبت به GDP	سرمایه گذاری مستقیم خارجی منفی - باز بودن بی تأثیر
گرن و ترسک (۲۰۰۵)	باز بودن تجارت - نوسانات رابطه مبادله	معیارهای بودجه ای و غیربودجه ای	مثبت
الغدیر (۲۰۰۵)	باز بودن تجارت	کل مخارج دولت نسبت به GDP	مثبت
لیبراتی (۲۰۰۷)	باز بودن تجارت - تحرک سرمایه	کل مخارج	آزادی سرمایه تأثیر منفی بر مخارج دولت دارد، اما فرضیه جبرانی رودریک تأیید نمی شود

مثبت	کل مخارج دولت و اجزای آن	باز بودن تجارت	شلتون (۲۰۰۷)
منفی	مخارج مصرفی به GDP	باز بودن تجارت - نوسانات رابطه مبادله	بنراچ و پندی (۲۰۰۸)
مثبت	کل مخارج دولت	باز بودن تجارت	کواه و همکاران (۲۰۰۸)
تأثیری بر کل مخارج ندارد، اما بر مخارج رفاه اجتماعی تأثیر مثبت دارد.	کل مخارج دولت به GDP و اجزای آن	سرمایه‌گذاری خارجی - باز بودن تجارت	گمل و همکاران (۲۰۰۸)
بی تأثیر	مخارج دولت و اجزای آن	باز بودن تجارت - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	درهر و همکاران (۲۰۰۸)
مثبت	کل مخارج و یارانه‌ها	باز بودن تجارت	موارو (۲۰۰۸)
جهانی شدن باعث بزرگ شدن دولت و عدم کارایی آن می‌شود.	کل مخارج دولت	باز بودن تجارت	اپیفانی و گانسیا (۲۰۰۸)
مثبت	کل مخارج دولت به GDP	باز بودن تجارت	دادگر و نظری (۱۳۸۷)

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۴- آرایه الگو، برآزش، تفسیر نتایج

الگوی طراحی شده برای برآورد و تجزیه و تحلیل دلایل رشد اندازه دولت به روش سری زمانی در دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۳۹ است. شاخص مناسب اندازه دولت سهم کل مخارج عمومی به تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته شده است. همچنین برای بررسی بیشتر، به رابطه بین جهانی شدن و نسبت مخارج مصرفی و مخارج رفاه و تأمین اجتماعی به تولید ناخالص داخلی نیز پرداخته می‌شود. در ابتدا به بررسی مانایی یا نامانایی متغیرها با توجه به آزمون دیکی فولر و همچنین برای تأیید بیشتر به وسیله آزمون زیوت اندریوز که وجود شکست ساختاری را در متغیرها در نظر

می‌گیرد، می‌پردازیم. در قسمت بعد برای بررسی وجود رابطه بلندمدت در بین متغیرهای الگو از آزمون هم‌جمعی کرانه^۱ پسران و همکاران^۲ (۲۰۰۱) استفاده می‌شود و در نهایت، برآورد ضرایب بلندمدت و الگوی اصلاح خطا با روش ARDL همراه با بررسی و تحلیل نتایج به‌دست آمده، ارائه می‌شود.

۵- وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگو

بررسی رابطه بلندمدت و تعادلی بین متغیرهای اقتصادی با استفاده از روش‌های هم‌گرایی از موضوع‌هایی است که از آن در الگوهای اقتصادسنجی استفاده می‌شود. مناسب‌ترین ابزار برای رسیدن به این هدف استفاده از روش آزمون هم‌جمعی کرانه پسران و همکاران (۲۰۰۱)، است. روش آزمون کرانه برپایه آزمون والد (آماره F) برای آزمون معناداری سطوح، با وقفه متغیرهای تحت بررسی در یک الگوی اصلاح خطای نامقید (UECM)^۳ صرف‌نظر از آنکه رگرسیون‌های مورد نظر $I(0)$ یا $I(1)$ باشند، استفاده می‌شود. الگوی اصلاح خطای نامقید (UECM) برای رابطه بین باز بودن اقتصاد و اندازه دولت به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$\begin{aligned} \Delta \ln size = & a_0 + a_1 t + b_1 \ln size_{t-1} + b_2 \ln open_{t-1} + b_3 \ln percap_{t-1} + b_4 \ln cpi_{t-1} \\ & + b_5 \ln pop_{t-1} + b_6 \ln oin_{t-1} + \sum_{i=1}^{p-1} c_{1i} \Delta \ln size_{t-i} + \sum_{i=0}^{p-1} c_{2i} \Delta \ln open_{t-i} + \sum_{i=0}^{p-1} c_{3i} \Delta \ln percap_{t-i} \\ & + \sum_{i=0}^{p-1} c_{4i} \Delta \ln cpi_{t-i} + \sum_{i=0}^{p-1} c_{5i} \Delta \ln pop_{t-i} + \sum_{i=0}^{p-1} c_{6i} \Delta \ln oin_{t-i} + Z + u_t \end{aligned} \quad (5)$$

که در آن، $\Delta \ln size$ ، $\Delta \ln open$ ، $\Delta \ln percap$ ، $\Delta \ln cpi$ و $\Delta \ln pop$ و $\Delta \ln oin$ به ترتیب تفاضل مرتبه اول لگاریتم‌های اندازه دولت، درجه باز بودن تجارت، درآمد سرانه، شاخص قیمت مصرف‌کننده و جمعیت کل کشور است. Z ، متغیرهای مجازی شامل دوره انقلاب، جنگ و تکانه نفتی است. u_t جزء اختلال و p طول وقفه بهینه بوده که براساس معیارهای آکاییک و شوارتز بیزین قابل تعیین است.

1- Bounds Testing

2- Pesaran et al

3- Unrestricted Error Correction Model (UECM)

پس از برآورد الگوی ۱ آزمون فرضیه زیر را انجام می‌دهیم:

$$\begin{cases} H_0 : b_1 = b_2 = b_3 = b_4 = b_5 = 0 \\ H_1 : b_1 \neq b_2 \neq b_3 \neq b_4 \neq b_5 \neq 0 \end{cases}$$

پسران و همکاران (۲۰۰۱)، مقادیر بحرانی مورد نیاز برای انجام چنین آزمونی را به صورت کرانه بالا و پایین و بالا^۱ ارایه داده‌اند. هرگاه مقدار F محاسباتی از مقدار کرانه بالایی بیشتر باشد، در این صورت می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرها رابطه هم‌جمعی وجود دارد. اگر مقدار F محاسباتی زیر مقدار کرانه پایین قرار گیرد، نبود رابطه هم‌جمعی قابل استنباط است و در صورتی که مقدار F محاسباتی بین دو کرانه باشد، در چنین حالتی، نمی‌توان هیچ نتیجه‌ای استخراج کرد. در این مقاله، سه الگو با متغیرهای توضیحی مشابه و متغیرهای وابسته مختلف در نظر گرفته شده است. الگوی اول به بررسی تأثیر متغیرهای توضیحی و جهانی شدن بر اندازه دولت از حیث مخارج کل به تولید ناخالص داخلی می‌پردازد. برای بررسی بیشتر و با توجه به نظریات رودریک، الگوی دوم به بررسی رابطه بین جهانی شدن اقتصاد و سهم مخارج مصرفی به تولید ناخالص داخلی و الگوی سوم به بررسی رابطه بین جهانی شدن اقتصاد و سهم مخارج رفاه و تأمین اجتماعی به تولید ناخالص داخلی می‌پردازند.

۶- نتایج تجربی

پیش از هرگونه تحلیل اقتصادسنجی، به‌ویژه مطالعات براساس روش‌های هم‌جمعی، لازم است مانایی داده‌ها بررسی شود. روش متعارف بررسی رفتار مانایی یا نامانایی متغیرها، استفاده از آزمون‌های ریشه واحد دیکی - فولر و دیکی - فولر تعمیم‌یافته^۲ (۱۹۷۹، ۱۹۸۱) است، اما آزمون ADF یک آزمون ضعیف و کم‌توان^۳ بوده و به سمت عدم رد ریشه واحد تورش دارد. از این رو، در این مطالعه، برای بررسی بیشتر علاوه بر آزمون ADF از آزمون زیوت - اندریوز که وجود شکست ساختاری را در آزمون خود لحاظ می‌کند، استفاده می‌کنیم.

1- Lower and Upper Bound
2- Augmented Dickey- Fuller Test
3- Low Power

۱-۶- آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته

نتایج تشخیص مانایی یا نامانایی متغیرها با توجه به آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته (ADF) در جدول شماره ۲، آمده است. نتایج نشان می دهد که متغیرهای اندازه دولت، باز بودن تجارت، درآمد سرانه، مخارج رفاه و تأمین اجتماعی، شاخص قیمت مصرف کننده و درآمد نفتی در سطح مانا نیستند و با یک بار تفاضل گیری مانا خواهند شد. بنابراین، تمام این متغیرها $I(1)$ هستند، اما متغیر لگاریتم جمعیت با یک بار تفاضل گیری مانا نخواهد شد. علت این مسأله می تواند به سبب اعلام رسمی هر ده سال یک بار جمعیت توسط مرکز آمار باشد که بر روند و عرض از مبدأ تأثیر گذار است. بنابراین، برای بررسی بیشتر لازم است از آزمون زیوت اندریوز برای بررسی شکست ساختاری استفاده شود.

جدول ۲- نتایج آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته

نام متغیر	بدون روند و با عرض از مبدأ		با روند و عرض از مبدأ		بدون روند و عرض از مبدأ	
	مقدار آماره در سطح	مقدار آماره تفاضل مرتبه اول	مقدار آماره در سطح	مقدار آماره تفاضل مرتبه اول	مقدار آماره در سطح	مقدار آماره تفاضل مرتبه اول
Lngsize	-۲/۳۲	-۲/۹۳	-۲/۸۱	-۴/۳۶	-۰/۶۰	-۲/۳۴
Lncsize	-۱/۵۹	-۴/۸۶	-۱/۶۶	-۴/۹۵	-۰/۶۹	-۴/۹۲
lnws	-۲/۹۰	-۸/۶۴	-۱/۷۹	-۷/۰۵	۰/۹۵	-۸/۵۹
Lnopen	-۱/۰۹	-۵/۴۴	-۳/۱۹	-۵/۴۱	-۰/۰۷	-۵/۴
Lnopns	-۱/۵۱	-۵/۷۳	-۲/۹۱	-۵/۷۲	-۰/۴۱	-۵/۸۰
Lnpercap	-۲/۱۳	-۳/۶۲	-۲/۲۴	-۳/۶۰	-۱/۲۳	-۳/۴۳
Lncpi	۰/۹۴	-۲/۶۹	-۲/۷۹	-۴/۱۳	-۰/۲۸	-۲/۴۹
Lnpop	-۱/۲۹	-۱/۵۹	-۲/۳۷	-۱/۸۶	۱/۴۵	-۰/۴۵
Lnoin	-۲/۲۸	-۶/۲۴	-۱/۹۲	-۶/۳۷	۰/۸۴	-۶/۱۷

توضیح: مقادیر بحرانی آزمونها در سطح ۵ درصد: الف- بدون روند و با عرض از مبدأ $-۲/۹۵$ ، ب- با روند و عرض از مبدأ $-۳/۵۵$ و ج- بدون روند و عرض از مبدأ $-۱/۹۵$.
 مأخذ: یافته های تحقیق.

۶-۲- نتایج آزمون ریشه واحد: زیوت اندریوز

آزمون زیوت اندریوز با استفاده از نرم افزار Gauss انجام و با توجه به کمترین مقادیر آماری \hat{t}_a در هر الگوی، الگوی مناسب همراه به شکست ساختاری آن انتخاب شد^۱. نتایج به دست آمده در جدول شماره ۳، آمده است. نتایج نشان می دهد که متغیرهای اندازه دولت (از حیث کل و مصرفی) و سهم مخارج رفاه و تأمین اجتماعی به GDP، باز بودن تجارت، درآمد سرانه و شاخص قیمت مصرف کننده ناماناستند و متغیر جمعیت ماناست. نتایج به دست آمده در آزمون زیوت- اندریوز در مورد متغیر جمعیت مغایر با آزمون دیککی فولر بوده که این امر به دلیل شکست ساختاری است که در این متغیر وجود دارد و باعث شده است آزمون دیککی فولر به سمت عدم رد فرضیه ریشه واحد تورش داشته باشد.

جدول ۳- تاریخ شکست ساختاری و انتخاب مدل برگزیده برای تمام متغیرهای مورد استفاده در الگو براساس آزمون زیوت اندریوز

سال شکست	کمترین τ آماری	نام متغیر
۱۳۶۰	-۳/۵۷۹	لگاریتم کل مخارج دولت به GDP (lngsize)
۱۳۵۹	-۳/۴۱۸	لگاریتم مخارج مصرفی به GDP (lncsize)
۱۳۵۴	-۵/۷۴۷	لگاریتم مخارج رفاهی و تأمین اجتماعی به GDP (lnwsize)
۱۳۵۹	-۴/۵۲۷	لگاریتم باز بودن تجارت (lnopens)
۱۳۶۱	-۳/۹۲۶	لگاریتم درآمد سرانه (lnpercap)
۱۳۶۸	-۳/۸۶۷	لگاریتم شاخص قیمت مصرف کننده (lncpi)
۱۳۷۰	-۵/۶۰۳	لگاریتم جمعیت (lnpop)
۱۳۶۰	-۴/۰۶۰	لگاریتم درآمد نفت (lnoin)

توضیحات:

- ۱- شماره مدل برگزیده براساس اینکه کمترین \hat{t}_a آماری متعلق به کدام مدل بوده، انتخاب شده است.
 - ۲- مقادیر بحرانی برای الگوی A برای سطوح ۱ و ۵ درصد به ترتیب ۵/۳۴- و ۴/۸۰- است.
 - ۳- مقادیر بحرانی برای الگوی C برای سطوح ۱ و ۵ درصد به ترتیب ۵/۵۷- و ۵/۰۸- است.
- مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۱- برای مطالعه بیشتر در مورد آزمون زیوت اندریوز به کتاب صمدی، پهلوان (۱۳۸۸) «هم‌جمعی و شکست ساختاری در اقتصاد»، مراجعه شود.

زمان‌های شکست ساختاری به دست آمده متناظر با زمان‌های مورد انتظار است. برای اندازه دولت و درآمد سرانه و باز بودن تجارت و درآمد نفتی سال ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ شروع جنگ تحمیلی بوده که نشان‌دهنده آثار تخریبی سنگین جنگ تحمیلی در اقتصاد ایران است. برای شاخص قیمت مصرف کننده سال ۱۳۶۸ همراه با برنامه اول توسعه است. سال ۱۳۷۰ اعلام رسمی جمعیت، توسط مرکز آمار بود که به نظر می‌رسد در این سال تغییر در روند و عرض از مبدأ اتفاق افتاده است.

۳-۶- نتایج رابطه بلندمدت میان متغیرهای الگو

بعد از انتخاب وقفه بهینه برای هر یک از الگوهای مختلف نتایج رابطه بلندمدت در جدول شماره ۴، آمده است.

جدول ۴- نتایج روابط بلندمدت

مرتبه وقفه	Lngsize ۲ (۰٫۰۰۲، ۰٫۱، ۰٫۲)	Lncsize ۲ (۰٫۰۰۲، ۰٫۱، ۰٫۲)	Lnwels ۱ (۰٫۰۰۱، ۰٫۰۰۲، ۰٫۰۰۱)
Lnopen	۰/۱ (۰/۶۶)	-۰/۱ (-۰/۷۴)	-۰/۳۹ (-۰/۸)
Inpercap	۰/۶۵ ** (۳/۸۹)	۰/۷۸ * (۸/۴۷)	۱/۳۸ *(-۰/۶۱)
Lncpi	۰/۰۴ (۱/۰۴)	۰/۰۱ (۰/۲۹)	۰/۳۷ ** (۲/۷۲)
Lnpop	-۱/۰۱ *(-۵/۱۹)	۰/۱۴ (۰/۲۳)	۲/۳۸ ** (۲/۴۳)
Lnoin	۰/۲۱ ** (۴/۲۰)	۰/۱۹ * (۴/۵)	۰/۳۶ *** (۱/۹۷)
INT	۱۷/۸۵ * (۵/۱۸)	۴/۲۸ (۰/۴۴)	-۵۲/۲۴ (-۲/۷۸)
DUR	-۰/۱۶ ** (۲/۷۸)	۰/۲۴ ** (۳/۹۰)	-----
REV	-----	-----	۰/۳۶ ** (۱/۰۲)
DOIL	۰/۱۲ (۰/۹۱)	-۰/۲ *** (-۱/۷۵)	۱/۲۲ ** (۲/۳۸)

توضیحات: ۱- اعداد داخل پرانتز مقادیر آ هستند. ۲- معناداری در سطح ۱ درصد، * معناداری در سطح ۵ درصد و ** معناداری در سطح ۱۰ درصد. مأخذ یافته‌های تحقیق.

۹۹ بررسی رابطه میان باز بودن اقتصاد و اندازه دولت

نتایج حاکی از آن است که در بلندمدت رابطه‌ای بین باز بودن تجارت و اندازه دولت از حیث مخارج کل و مخارج مصرفی وجود ندارد. همچنین باز بودن تجارت و مخارج رفاهی رابطه معناداری با یکدیگر ندارند و جمعیت تأثیر بسیار زیادی در افزایش این مخارج داشته است. همچنین ضریب لگاریتم درآمد سرانه برای اندازه دولت با توجه به معیارهای مختلف ۰/۶۵ و ۰/۷۸ و ۱/۳۸ بوده که نشان‌دهنده تأثیر مثبت درآمد سرانه بر اندازه دولت است. همچنین جمعیت تأثیر منفی بر اندازه دولت از حیث مخارج کل دارد که با مطالعه کلی (۱۹۷۶) و آلسینا و کزیرگ (۱۹۹۸)، مبنی بر اینکه با فرض هزینه نهایی ثابت برای کالاها و خدمات عمومی، جمعیت بیشتر مستلزم مخارج عمومی کمتری نسبت به GDP بوده، سازگار است.

۴-۶- نتایج برآورد الگوی اصلاح خطا

نتایج برآورد الگوی اصلاح خطا برای هر سه الگوی مختلف در جدول‌های شماره ۵، ۶ و ۷ آورده شده است.

جدول ۵- نتایج برآورد الگوی اصلاح خطا - الگوی اول (تأثیر باز بودن اقتصاد بر مخارج کل به تولید ناخالص داخلی)

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t [احتمال]
DLNGSIZE1	۰/۲۶۰	۰/۱۱۸	۲/۱۹۹*** [۰/۰۳۴]
DLNOPEN	۰/۳۳۲	۰/۱۲۹	۲/۵۶۹*** [۰/۰۱۵]
DLNPERCAP	-۰/۱۴۴	۰/۲۷۱	-۰/۵۳۱ [۰/۵۹۸]
DLNPERCAP1	۰/۵۱۱	۰/۲۴۹	۲/۰۴۵*** [۰/۰۴۹]
DLNCPI	۰/۰۴۰	۰/۰۳۷	۱/۰۷۲ [۰/۲۹۱]
DLNPOP	-۰/۸۶۵	۰/۱۸۲	-۴/۷۴۴* [۰/۰۰۰]
DLNOIN	۰/۱۸۰	۰/۰۳۶	۴/۹۱۷* [۰/۰۰۰]
DINT	۱۵/۲۵	۳/۶۱	۴/۲۱۷* [۰/۰۰۰]
DDUR	-۰/۱۴۴	۰/۰۵۴	-۲/۶۵۴* [۰/۰۱۲]
DDOIL	۰/۱۰۴	۰/۱۱۰	۰/۹۴۵ [۰/۳۵۲]
ECM(-1)	-۰/۸۵۴	۰/۱۲۴	-۶/۸۷۶* [۰/۰۰۰]

* معناداری در سطح ۱ درصد، ** معناداری در سطح ۵ درصد و *** معناداری در سطح ۱۰ درصد.

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نتایج جدول شماره ۵، نشان می‌دهد که در کوتاه‌مدت جهانی شدن تأثیر معناداری بر اندازه دولت ندارد و درآمد سرانه نیز با یک وقفه، تأثیر مثبتی بر اندازه دولت دارد. همچنین درآمدهای

حاصل از صادرات نفت بیشترین توضیح‌دهندگی افزایش اندازه دولت هستند و تورم نیز در کوتاه‌مدت تأثیری بر اندازه دولت ندارد. همچنین ضریب برآورد شده ECMt-1 برابر ۰/۸۵- است و چون این ضریب بامعنا بوده، نشان می‌دهد که هر دوره انحراف از مسیر بلندمدت در هر دوره حدود ۸۵ درصد از آن تعدیل خواهد شد.

جدول ۶- نتایج برآورد الگوی اصلاح خطا - الگوی دوم (تأثیر باز بودن اقتصاد بر مخارج مصرفی به تولید ناخالص داخلی)

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t [احتمال]
DLNCSIZE1	۰/۵۸۶	۰/۱۵۸	۳/۷۰۵* [۰/۰۰۱]
DLNOPEN	۰/۳۰۵	۰/۱۰۷	۲/۸۳۷* [۰/۰۰۸]
DLNOPEN1	۰/۳۲۵	۰/۱۱۱	۲/۹۳۲* [۰/۰۰۶]
DLNPERCAP	-۰/۳۶۰	۰/۲۳۶	-۱/۵۲۶ [۰/۱۳۶]
DLNPERCAP1	۰/۷۷۱	۰/۲۲۵	۳/۴۲۳* [۰/۰۰۲]
DLNCPI	۰/۰۰۸	۰/۰۳۰	۰/۲۹۶ [۰/۷۶۹]
DLNPOP	۰/۱۱۹	۰/۵۲۱	۰/۲۲۹ [۰/۸۲۰]
DLNOIN	۰/۱۶۳	۰/۰۳۱	۵/۱۹۱* [۰/۰۰۰]
DINT	۳/۵۹۴	۸/۰۰۴	۰/۴۴۹ [۰/۶۵۶]
DDUR	-۰/۲۰۴	۰/۰۶۱	-۳/۳۳۳* [۰/۰۰۲]
DDOIL	۰/۱۶۸	۰/۰۸۸	۱/۹۱۲*** [۰/۰۶۵]
Ecm(-1)	-۰/۸۲۵	۰/۰۹۸	-۸/۴۰۶* [۰/۰۰۰]

* معناداری در سطح ۱ درصد، ** معناداری در سطح ۵ درصد و *** معناداری در سطح ۱۰ درصد.

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

تأثیر کوتاه‌مدت درجه باز بودن تجارت بر سهم مخارج مصرفی به تولید ناخالص داخلی مثبت و بامعنا است و این نتیجه را می‌توان با توجه به نظریه رودریک مبنی بر اینکه مخارج مصرفی دولت در جهت کاهش پیامدهای منفی جهانی شدن افزایش یافته است، توجیه کرد. درآمد سرانه با یک وقفه، تأثیر مثبت و معناداری بر اندازه دولت، نشان می‌دهد. تورم و جمعیت در کوتاه‌مدت تأثیری بر اندازه دولت از حیث مخارج مصرفی نشان نمی‌دهند، اما درآمد نفتی نیز باعث افزایش این نوع مخارج در کوتاه‌مدت شده است. همچنین به دلیل آنکه مقدار ضریب اصلاح خطا ۰/۸۲- و در

بررسی رابطه میان باز بودن اقتصاد و اندازه دولت ۱۰۱

سطح ۹۹ درصد معنادار است، می‌توان نتیجه گرفت که در صورت خارج شدن از مقدار تعادلی در هر دوره ۸۲ درصد از این خطا اصلاح می‌شود.

جدول ۷- نتایج برآورد الگوی اصلاح خطا - الگوی سوم (تأثیر باز بودن اقتصاد بر مخارج رفاهی به تولید ناخالص داخلی)

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t [احتمال]
DLNOPEN	-۰/۲۱۹	۰/۲۷۵	[۰/۷۹۷] -۰/۴۳۰
DLNPERCAP	-۰/۲۱۰	۰/۳۳۰	[۰/۵۲۸] -۰/۶۳۶
DLNCPI	-۰/۲۰۷	۰/۰۸۵	[۰/۰۲۰] -۲/۴۲۰**
DLNPOP	۱/۳۱۴	۰/۶۱۳	[۰/۰۳۹] ۲/۱۴۲**
DLNOIN	۰/۲۰۴	۰/۰۹۹	[۰/۰۴۸] ۲/۰۴۸**
DINT	-۹۳/۴۰۸	۲۶/۱۰۹	[۰/۰۰۱] -۳/۵۷۷*
DREV	۰/۲۰۲	۰/۲۰۳	[۰/۳۲۵] ۰/۹۹۷
DDOIL	۰/۶۷۴	۰/۲۳۴	[۰/۰۰۷] ۲/۸۷۹*
Ecm(-1)	-۰/۵۵۲	۰/۱۲۵	[۰/۰۰۰] ۴/۴۰۲*

* معناداری در سطح ۱ درصد، ** معناداری در سطح ۵ درصد و *** معناداری در سطح ۱۰ درصد.
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نتایج جدول شماره ۷، نشان می‌دهد که در کوتاه‌مدت نیز درجه باز بودن تجارت تأثیر معناداری بر نسبت مخارج رفاهی و تأمین اجتماعی به GDP ندارد. در واقع، این موضوع با توجه به اعتقاد رودریک مینی‌بر اینکه در کشورهای در حال توسعه و غیرپیشرفته به دلیل ساختار اداری کشورشان و عدم برنامه‌ریزی مناسب در ساختار سازمان‌های رفاهی و تأمین اجتماعی این نوع مخارج در جهت کاهش تکانه‌های بین‌المللی حساسیت بسزایی نشان نمی‌دهند، صادق است و کشور ایران جزء این دسته از کشورها است، اما با توجه به اتکای ایران به درآمدهای حاصل از فروش نفت، نوسانات درآمد نفتی با این نوع مخارج رابطه معناداری دارد. همچنین ضریب الگوی اصلاح خطا ۰/۷۲- بوده و این بدین معنا است که در صورت خارج شدن از مقدار تعادلی در هر دوره به اندازه ۷۲ درصد از مقدار خطا اصلاح می‌شود.

۵-۶- آلترناتیو (نسبت مجموع صادرات غیرنفتی و واردات به تولید ناخالص داخلی غیرنفتی به عنوان شاخص جهانی شدن اقتصاد)

از جمله روش‌های مرسوم برای تعیین درجه باز بودن تجارت معیار سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی است که در این حالت، هرچه سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی بزرگ‌تر باشد، بیان‌کننده باز بودن بیشتر است، اما با توجه به اینکه بخش عظیمی از صادرات ایران را نفت خام تشکیل می‌دهد و سیاست‌های باز تجاری بر صادرات آن چندان تأثیری ندارد، از این رو، برای بررسی بیشتر، مجموع صادرات غیرنفتی و واردات به تولید ناخالص داخلی غیرنفتی را به عنوان شاخص جهانی شدن و درجه باز بودن تجارت در نظر می‌گیریم و تأثیر این متغیر را همراه با دیگر متغیرهای الگو بر اندازه دولت یک‌بار دیگر بررسی می‌کنیم.

پس از آزمون هم‌جمعی در مورد متغیرهای تحت بررسی و تأیید هم‌جمع بودن آنها، برای تخمین اثرات سطحی و پویایی‌های کوتاه‌مدت رویکرد مدل‌سازی ARDL پسران و شین^۱ (۱۹۹۹) را مورد استفاده قرار می‌دهیم. بعد از انتخاب وقفه بهینه برای هر یک از الگوهای مختلف نتایج رابطه بلندمدت در جدول شماره ۸ آمده است.

نتایج جدول شماره ۸، نشان می‌دهد مانند حالت قبل، درجه باز بودن تجارت (مجموع صادرات غیرنفتی و واردات به تولید ناخالص داخلی) رابطه معناداری با اندازه دولت در بلندمدت از حیث مخارج کل و مخارج مصرفی ندارد. درآمد سرانه نیز در بلندمدت رابطه مثبت و معناداری با اندازه دولت دارد و درآمدهای نفتی بیشترین توضیح‌دهنده افزایش اندازه دولت هستند. همچنین در مورد مخارج رفاه و تأمین اجتماعی می‌توان گفت که تنها جمعیت و درآمدهای نفتی رابطه معناداری با این نوع مخارج دارند و درجه باز بودن تجارت و مخارج رفاهی تأثیر معناداری با یکدیگر ندارند. بنابراین، به نظر می‌رسد با حذف صادرات غیرنفتی در شاخص درجه باز بودن تجارت، تأثیری در رابطه بین متغیرها به وجود نیامده است.

بررسی رابطه میان باز بودن اقتصاد و اندازه دولت ۱۰۳

جدول ۸- نتایج روابط بلندمدت

مرتبه و قفه	LNGSIZE 2 (2,1,2,0,0,0)	LNCSIZE 2 (2,2,2,0,0,0)	LNWLS 1 (1,0,0,0,0,0)
LNOPEN	۰/۰۴۵ (۰/۴۴)	۰/۰۴۱ (-۰/۴۱۵)	-۰/۲۹۳ (-۰/۷۶۰)
LNPERCAP	۰/۰۶۴۹ *(۳/۶۵۷)	۰/۰۲۳ *(۵/۱۱۸)	-۰/۳۵۹ (-۰/۵۵۸)
LNCPPI	۰/۰۳۸ (۰/۸۳۷)	۰/۰۲۹ (۰/۶۰۹)	-۰/۳۹۶ **(-۲/۴۷۴)
LNPOP	-۱/۰۰۷ *(-۴/۷۳۷)	-۰/۸۳۲ *(-۴/۴۴۱)	۲/۵۰۴ ***(۲/۳۵۱)
LNOIN	۰/۲۱۲ *(۳/۸۰۸)	۰/۱۹۰ (۰/۸۸۰)	۱/۹۳۰ (۰/۰۶۱)
INT	۱۷/۷۰۸ *(۴/۴۰۳)	۱۴/۸۸ *(۴/۳۱۷)	-۵۴/۴۴۶ **(-۲/۶۸۷)
DUR	-۰/۱۶۳ *(۲/۹۱۷)	۰/۱۹۰ *(۳/۸۲۲)	---
REV	---	---	۰/۴۴۵ ***(۱/۳۲۵)
DOIL	۰/۰۹۲ (۰/۶۶۶)	۰/۲۱۷ (-۱/۶۳۴)	۱/۳۱۴ *(۲/۳۴۶)

توضیحات: ۱- اعداد داخل پرانتز مقادیر آ هستند. ۲- * معناداری در سطح ۱ درصد و ** معناداری در سطح ۵ درصد. مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۷- نتیجه گیری

این مقاله به بررسی تأثیر جهانی شدن اقتصاد و دیگر متغیرهای اقتصادی و جمعیتی مانند درآمد سرانه حقیقی، تورم (شاخص قیمت مصرف کننده) و جمعیت کل کشور بر اندازه دولت می‌پردازد. در این تحقیق سه الگو با متغیرهای توضیحی مشابه و متغیرهای وابسته مختلف در نظر گرفته شد. الگوی اول به بررسی تأثیر متغیرهای توضیحی و جهانی شدن بر اندازه دولت از حیث مخارج کل به تولید ناخالص داخلی می‌پردازد. همچنین در قسمت بعد برای بررسی بیشتر و با توجه به آرای رودریک، الگوی دوم به بررسی رابطه بین جهانی شدن اقتصاد و سهم مخارج مصرفی به تولید ناخالص داخلی و

الگوی سوم به رابطه بین جهانی شدن و سهم مخارج رفاه و تأمین اجتماعی به تولید ناخالص داخلی اختصاص دارد. در این تحقیق برای رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگو از آزمون کرانه پسران و همکاران (۲۰۰۱) و برای تعیین ضرایب بلندمدت و کوتاه مدت و ضریب تصحیح خطا از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی استفاده شده است. با بهره‌گیری از آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته و آزمون زیوت - اندریوز با استفاده از نرم افزار GAUSS.6 که آزمون ریشه واحد را با لحاظ شکست ساختاری بررسی می‌کند، مانایی متغیرها مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج آزمون کرانه پسران و همکاران (۲۰۰۱)، در هر سه الگو نشان از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای یادشده، دارد. نتایج حاصل از برآورد ضرایب بلندمدت از روش ARDL در الگوی اول حاکی از آن است که جهانی شدن در بلندمدت تأثیری را بر اندازه دولت از حیث مخارج کل نشان نمی‌دهد. درآمد سرانه تأثیری مثبت و بامعنایی بر اندازه دولت دارد و قانون واگنر در ایران نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. با توجه به نظریه کلی (۱۹۷۸) و آلسینا و وکزیبرگ (۱۹۹۸)، جمعیت رابطه‌ای منفی با اندازه دولت دارد، اما تورم تأثیر مثبتی را بر اندازه دولت نشان نمی‌دهد. همچنین در بررسی عملکرد دولت برای ایجاد مخارج رفاه و تأمین اجتماعی به منظور مقابله با تکانه‌های حاصل از جهانی شدن، نتایج نشان داد که رابطه‌ای بین مخارج رفاه و تأمین اجتماعی و درجه باز بودن تجارت وجود ندارد و تنها جمعیت و درآمدهای نفتی نقش بسزایی در تغییرات این نوع مخارج ایفا کرده‌اند؛ بنابراین، با توجه به ساختار تجاری ایران و نوسانات حاصل از آن و به خصوص نوسانات قیمت نفت و ایجاد شوک رابطه مبادله، مخارج دولت در جهت کاهش تکانه‌های جهانی شدن از حیث مخارج رفاهی و تأمین اجتماعی عمل نکرده است، اما مخارج مصرفی دولت افزایش یافته که این مسأله به احتمال در قالب اختصاص یارانه به افراد، حمایت‌های قیمتی از بخش‌های مختلف اقتصادی، پرداخت‌های انتقالی و کمک‌های بلاعوض است، اما این موضوع را نیز باید در نظر گرفت که در اقتصاد ایران وجود درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت نقش بسزایی در رشد اندازه دولت از حیث مخارج مصرفی ایفا کرده است.

همچنین نتایج حاصل از بررسی مجموع صادرات غیرنفتی و واردات به تولید ناخالص داخلی غیرنفتی به‌عنوان شاخصی از جهانی شدن اقتصاد، تغییری در رابطه بین ضرایب ایجاد نکرده و نتایج مانند حالت قبل^۱ است.

۱- حالتی که مجموع کل صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص درجه باز بودن تجارت در نظر گرفته شده است.

منابع

الف- فارسی

- استگلنیتز، ژوزف (۱۳۸۲)، نقش دولت در جهان معاصر، در دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی، ترجمه حسین راغفر، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول.
- بانک جهانی (۱۳۷۸)، نقش دولت در جهان در حال تحول، ترجمه حمیدرضا برادران شرکا و دیگران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی ایران و ترازنامه، سال‌های مختلف.
- توکلی، احمد (۱۳۸۰)، بازار - دولت، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها: اقتصاد بخش عمومی ۲، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- صمدی، علی حسین و مصیب پهلوانی (۱۳۸۸)، هم‌جمعی و شکست ساختاری در اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، چاپ اول.
- دادگر، یادالله و روح‌الله نظری (۱۳۸۶)، طراحی الگویی جهت تجزیه و تحلیل اندازه دولت به صورت استانی در اقتصاد ایران، اقتصاد و جامعه، سال سوم، شماره دوازدهم.
- سوری، علی و رضا کیهانی حکمت (۱۳۸۲)، متغیرهای جمعیتی، اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰.
- لیندائر، دیوید و آن ولنچیک، مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه، روندها، علت‌ها و پیامدها، ترجمه ذبیح‌الله قائمی و رضوان گرامی، مجله برنامه و بودجه، شماره ۹.
- محنت‌فر، یوسف و احمد جعفری صمیمی (۱۳۷۸)، عوامل مؤثر بر هزینه‌های جاری دولت در استان‌های کشور «یک تحلیل تجربی»، مجله مدرس، شماره ۱.
- محنت‌فر، یوسف (۱۳۸۳)، عوامل مؤثر بر هزینه‌های جاری دولت در ایران (۱۳۸۳-۱۳۳۸)، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره پانزدهم.
- نوفرستی، محمد (۱۳۷۸)، ریشه واحد و هم‌جمعی در اقتصادسنجی، انتشارات غزال، تهران، چاپ اول.

ب- انگلیسی

- Alesina, A. and R. Wacziarg (1997), "Openness, Country Size and Government", *Journal of Public Economics*, Vol. 69.
- Alqudair, K (2005), *The Causal Relationship between Trade Openness and Government Size: Evidence from Saudi Arabia*, [Online]

- .<http://www.ecomod.net/conferences/middle_east_2005.html>[June 10 2008]. Working Paper.
- Adsera, A. and C. Boix (2002), *Trade, Democracy, and the size of the public sector: the Political Underpinnings of Openness*, International Organization, Vol. 56.
- Abizadeh, S. and M. Yousfi (1988), *Growth of Government Expenditure in Canada*, Public Finance Quarterly, January.
- Burgoon, B (2001), *Globalization and Welfare Compensation*, International Organization, Vol. 55, No. 3.
- Burney, N. A. and N. Al- Mussallam (1999), *Wagner's Law and Public Expenditure Growth in Kuwait*, Organization of the petroleum Exporting Counties.
- Bretschger, L. and F. Hettich (2002), *Globalisation, Capital Mobility and Tax Competition: Theory and Evidence for OECD Countries*, European Journal of Political Economy, vol. 18, No. 4.
- Couraksi, a.; F. Moura-raque and G. Tridimas (1993), *Public Expenditure Growth in Greece and Portugal: Wagner's Law and Beyond*, Applied Economics, Vol 22.
- Dreher, A.; J. E. Strum and H. W. Ursprung (2008), *The Impact of Globalization on the Composition of Government expenditure: Evidence from Panel Data*, Public Choice, Vol. 134.
- Epifani, P. and G. Gancia (2008), *Openness, Government Size and the Terms of Trade*, Institute for Empirical Research in Economics, University of Zurich, Working Paper No. 359.
- Gemmell, N. ; R. Kneller and I. Sanz (2008), *Foreign Investment, International Trade and the Size and Structure of Public Expenditure*, European Journal of Political Economy, Vol. 24.
- Garret, G (2001), *Globalization and Government Spending Around the World*, Studies in comparative International Development, Vol. 35.
- Islam, M (2004), *The Long Run Relationship between Openness and Government Size: Evidence from Bounds Test*, Applied Economics, Vol. 36.
- Keen, M. and M. Marchand (1997), *Fiscal Competition and the Pattern of Public Spending*, Journal of Public Economics, Vol. 66.
- Kueh, J. S; C. Puah and C. M. Wong (2008), *Bounds Estimation for Trade Openness and Government Expenditure Nexus of ASEAN-4 Countries*, MPRA Paper, No. 12351.
- Kelley, A. C (1976), *Demographic and the Size of the Government Sector*, Southern Economic Journal, Vol. 49.
- Liberati, P. (2007), *Trade Openness, Capital Openness and Government Size*, Cambridge University Press. Vol. 27, No. 2.

بررسی رابطه میان باز بودن اقتصاد و اندازه دولت ۱۰۷

- Lee, S. B. and S. Lin (1994), Government Size Demographic Changes and Economic Growth, Economic Journal, Vol.8.*
- Molana, H.; C. Montagna and M. Violata (2004), On the Causal Relationship between Trade-Openness and Government Size: Evidence from 23 OECD Countries, Research Paper Series, Internationalisation of Economic Policy 2004/14.*
- Quang, dao. Minh (1995), Determinants of Government Expenditure, Oxford Bulletin of Aconomics and Statistics, Vol. 57, No.1.*
- Pesaran, M. H.; Y. Shin and R. J. Smith (2001), Bounds Testing Approaches to the Analysis of Level Relationship, Journal of Applied Economics, Vol. 16.*
- Ram, R (2008), Openness, Country Size, and Government Size: Additional Evidence from a Large Cross- Country Panel, Journal of Public Economics.*
- Rodrik, D (1998), Why do More Open Economies Have Bigger Governments?, Journal of Political Economy, Vol. 106.*
- Shelton, C. A (2007), The Size and Composition of Government Expenditure, Journal of Public Economics, Vol. 91.*
- Tanzi, V (2000), Globalization and Future of Social Protection, International Monetary Fund.*

Archive of SID